

أثر المحتسب

في الدراسات النحوية

روح‌الله شهیدی

احتجاج بر قرائات قرآنی و توجیه آنها به لحاظ قواعد ادبی و زبانی از دغدغه‌های دانشجویان مسلمان بوده است که به ویژه پس از نگارش کتاب «قراءة السبعة» توسط ابوبکر احمد بن موسی بن مجاهد (م ۳۲۴ هـ) شکلی منسجم و منضبط به خویش گرفت. «المحتسب» خامه ریخته ابوالفتح عثمان بن جتی هم نگاشته‌ای از این لون است. ابن جتی این کتاب را در پی کتاب «الحجة» ابوعلی فارسی (م ۳۷۷ هـ) - استاد خویش - نگاشته، با این تفاوت که الحجة ابوعلی فارسی احتجاج بر قرائت‌های هفت‌گانه ابن مجاهد و المحتسب احتجاج بر قرائت‌های شاد است. مراد او از قرائت‌های شاد هم قرائت‌های دیگر جز قرائت‌های هفت‌گانه است. دکتر حازم حلّی در نگاشته خود با دست‌مایه قراردادن المحتسب، پژوهش‌های نحوی ابن جتی در ضمن توجیه قرائات را پیش دید نهاده است. کتاب در یک مقدمه، یک تمهید، ۱۲ باب و خاتمه سامان یافته است.

مقدمه به زندگی ابن جتی، معرفی مختصر المحتسب و مروری بر فصل‌های پژوهش حاضر گذشته است. (ص ۹-۱۴) در تمهید از پیدایش و تطوّر احتجاج بر قرائات (ص ۱۵-۲۲)، گونه‌های اختلاف قرائت (ص ۲۳-۲۵)، اسباب اختلاف قرائت (ص ۲۶-۳۲)، قرائت‌های هفت‌گانه ابن مجاهد و انتقادات بر آن (ص ۳۲-۳۸)، مفهوم‌شناسی قرائت‌های شاد (ص ۳۸-۴۱) و موضع فقها (ص ۴۱-۴۴)، لغویان و نحّات (ص ۴۴-۵۹) در برابر آنها سخن گفته است. در پی آن از ابوعلی فارسی یاد کرده است؛ همو که استاد ابن جتی است و بر روش علمی ابن جتی اثری ژرف نهاده است. از همین روست که بعد از این با مباحثی چون زندگی‌نامه مختصر ابوعلی فارسی و ابن جتی (ص ۵۹-۶۳)، تأثیر ابوعلی فارسی بر ابن جتی (ص ۶۳-۶۶) و دلایل آن (ص ۶۸-۷۱)، مقایسه روش «الحجة» و «المحتسب» (ص ۷۲-۷۵) روبه‌رو می‌شویم. نقدهای ابن جتی بر ابن مجاهد، اهمیت المحتسب در مباحث صرف و نحو و درهم‌تنیدگی و تداخل مباحث صرفی، لغوی و نحوی در کتاب از دیگر موضوعاتی است که در بخش تمهید بدان اشاره رفته است. (ص ۷۶-۷۸)

باب نخست (ص ۸۱-۸۹) با این مباحث در پیوند است: اسماء سته (جواز جمع أب به صورت أبون و أبین)، مثنی (جواز اراده جمع از مثنی)، جمع مذکر سالم (روایی جمع بستنی «أفعل فعلاء» بر جمع سالم)، جمع مؤنث سالم (جواز تغییر وزن مفرد از فَعَلَ به فُعِلَ و جمع بستنی آن به صورت مؤنث سالم) و تنوین دادن به الف الحاق (الحاقی دانستن الف در قرائت علی تقوی من الله)

محور باب دوم (۹۳-۱۳۸) موضوع نکره و انواع مختلف معرفه‌هاست و در آن به تفاوت معنایی واژه در صورت معرفه یا نکره بودن، هم‌معنایی اسم جنس نکره با اسم جنس معرفه، جواز نکره آوردن معرفه،

أثر المحتسب فی الدراسات النحویة؛ حازم الحلّی؛ قم: المكتبة الأدبیة المختصة، ۱۴۳۷ هـ

حرکات ضمیر، حذف ضمیر، جواز عطف مستقیم و بدون تأکید بر ضمیر مرفوعی، فصل دانستن ضمیر در آیه و تغییرات اعرابی بر پایه آن، ضمیر شأن، دخول لام تعریف بر اسم‌های علم بدون قصد مدح و بزرگداشت، غیرمنصرف، غیرمنصرف کردن اسم منصرف، اسم اشاره (هذی به جای هذو)، اسماء موصول (روابودن توجّه به معنا در جمع یا مفرد آوردن اسم موصول یا فعلی که در جمله صلّه آمده است/ حذف عائد صلّه) و آوردن لام تعریف بر جمله می پردازد.

سومین باب کتاب به «مبتدا و خبر و نواسخ آن» ویژه است (ص ۱۴۱-۱۹۵). حذف مبتدا، جواز تقدیم خبر بر مبتدا، حذف خبر، مذکّر آوردن کان علی رغم مؤنث بودن اسم آن، شناخته‌تر بودن اسم کان بر خبر آن، امکان آمدن ضمیر شأن یا نکره به عنوان اسم کان، تقدیم خبر کان بر آن، تأمه شدن کان، زیادت باء در خبر لیس، این شبیه به لیس و عمل آن، فتحه دادن به همزه در «ان»، حذف خبر «ان»، عدم عمل ما بعد «ان» در ما قبل آن، این و آن مخففه از ثقیله، لکن، لا نفی جنس، تعلیق و الغا، تضمین و افعال دو مفعول طلب از جمله مباحث نحوی است که این جئی به گاه توجیه پاره‌ای از قرائات بدان‌ها پرداخته است.

مسائل مربوط به «فاعل و نائب فاعل» چهارمین باب کتاب را تشکیل داده است. (ص ۱۹۹-۲۳۶) فاعل ظاهر و مضمّر، رفع فاعل به فعل مقدّر، مؤنث آوردن فعل‌هایی که فاعل آن مذکّر است، ولی به ضمیر مؤنث اضافه شده یا بین فاعل مؤنث و فعل فاصله افتاده است یا فاعل جمع مکسّر است، مذکّر آوردن فعل‌هایی که فاعل آن مؤنث است، جملات در جایگاه فاعل قرار نمی‌گیرند، اسباب ذکر نائب فاعل، افعالی که قابلیت مجهول شدن را دارند و مجهول کردن فعل دو مفعولی از جمله موضوعات این بخش است.

باب پنجم درباره «منصوبات» است و بیان می‌کند که قواعد مربوط به مفعول به، نصب مفعول به به فعل محذوف، منصوب شدن به دلیل مدح، حذف فعل قال، حذف مفعول به، حذف دو مفعول، نصب بنا بر نزع خافض، باب تنازع، باب اشتغال، ظروف، استثنا، آمدن حال از ضمیر، تعدّد حال، تقدیم حال بر ذو الحال، آمدن حال به صورت مصدر، جمله و شبه جمله، حذف رابط حال و ذو الحال و تمییز چگونه توانسته است، این جئی را در توجیه برخی از قرائت‌ها شادّ یاری رساند.

ششمین باب کتاب به «مجرورات» و نقش قواعد مربوط به آن در احتجاجات این جئی بر قرائت‌ها اختصاص دارد. (ص ۳۰۵-۳۴۸) مسائل پیرامون حروف جاژه چون باء، من، لام، الی، حاشا؛ حذف جاژ و مجرور، وجه شباهت جاژ و مجرور به فعل، مجرور شدن به واسطه مجاورت، راه‌های رهاشدن از التقای ساکنین، عدم فصل مضاف از مضاف الیه، معنا و مفهومی که اضافه القا می‌کند، حذف نون جمع به هنگام اضافه و حذف مضاف موضوع سخن در این بخش است.

باب هفتم می‌گوید که این جئی چه سان از مبحث «مصدر و مشتقات (عمل، ساختار و ساختار آنها)» در توجیه نحوی قرائت‌ها بهره جسته است. عمل کردن مصدر، نشستن مصدر در جایگاه اسم فاعل، عمل کردن اسم فاعل، ابنیه مصدر، جمع بستن مصدر، اضافه کردن مصدر، آمدن مصدر به صورت ضمیر، مقایسه بار معنایی مصدر و اسم فاعل، نصب بنا بر مصدر بودن (مفعول مطلق)، آمدن فعل یا اسم در جایگاه مصدر، صفت بروزن فُعال و دلالت آن، صفت مشبّهه، اسم مکان، صیغه مبالغه و افعال تفضیل از جمله موضوعات باب پیش گفته است.

هشتمین باب از فعل مدح «نعم» و تلفظ‌های گونه‌گون آن پرده برمی‌دارد. (ص ۳۹۹-۴۰۰)

باب نهم بازتاب موضوع «توابع» را در المحتسب پی می‌گیرد (ص ۴۰۳-۴۶۴) و نمونه‌هایی از کاربرد قواعد صفت، اسم و مفرد بودن آن در اصل، روابط بین موصوف و صفت، جانشینی صفت به جای موصوف و حالات مختلف آن، توصیف به مصدر و افاده مبالغه از آن، وصف صفت، آمدن صفت از محلّ و نه از لفظ، تأکید، عطف، حذف اسم و حرف عطف، عطف بر محلّ، عطف جمله‌ها، عطف شبه جمله، فصل میان

احتجاج بر قرائات قرآنی و توجیه آنها به لحاظ قواعد ادبی و زبانی از دغدغه‌های دانشیان مسلمان بوده است که به ویژه پس از نگارش کتاب «قراءة السبعة» توسط ابوبکر احمد بن موسی بن مجاهد (م ۳۲۴ هـ) شکلی منسجم و منضبط به خویش گرفت. «المحتسب» خامه ریخته ابوالفتح عثمان بن جئی هم نگاشته‌ای از این لون است. این جئی این کتاب را در پی کتاب «الحجة» ابوعلی فارسی (م ۳۷۷ هـ) - استاد خویش - نگاشته، با این تفاوت که الحجة ابوعلی فارسی احتجاج بر قرائت‌های هفت گانه ابن مجاهد و المحتسب احتجاج بر قرائت‌های شادّ است.

معطوف و معطوف علیه، زائده بودن واواز دیدگاه کوفیان، برخی حروف عاطفه چون او، بل، أم و معانی خاص آنها، بدل اسم از اسم، فعل از فعل، اسم ظاهر از ضمیر، کُلّ از کُلّ، اشتغال، منادا، ندبه و ترخیم را در موجه جلوه دادن قرائات نشان می‌دهد.

باب دهم قواعد اسماء فعل (مثل علیک، دونک، عندک، هیت، وی، أف، هیهات)، اسماء صوت، عدد، اضافه شدن عدد، حکایت حال و جمله، آمدن ضمیر به جای تاء تانیث، جمع کثرة و قلّة، اسم نسبت و قواعد مربوط به لفظ «کُلّ» را در المحتسب پی می‌جوید. (ص ۴۶۷-۵۰۰)

باب یازدهم درباره عوامل نصب و جزم و رفع فعل مضارع، نون تأکید و فعل معتل بحث می‌کند. (۵۰۳-۵۶۱) چند و چون درباره لام تعلیل، نصب به آن مقدره، مصدر مؤول برآمده از ترکیب حروف ناصبه و فعل، حواب جزا با «واو»، ماهیت «لن»، جوازم مضارع مثل لَمّا، لام امر، لا نهی، عطف بر مجزوم، جزم مضارع معتل الآخر، جزم مضارع مضاعف، ادوات شرط، فاء جواب شرط، مضارع در جواب طلب، رفع فعل مضارع، نون تأکید ثقیله و خفیفه، حرکت فعل مضارع معتل الآخر، حذف لام از معتل الآخر با هدف تخفیف، فعل مضارع معتل الأول از جمله قواعدی است که ابن جتی آنها را در راستای احتجاج به برخی قرائت‌ها به کار بسته است.

مباحث باب دوازدهم درباره قسم، استفهام، حذف همزه استفهام، ما استفهامیه، تنبیه به «ألا»، اضمار «قد»، لا نفی، لا زائده، إن نافی، آن به معنای «أی» و حذف یکی از دو حرف زائد است. (ص ۵۶۵-۵۸۱) کتاب با بخش «خاتمه» به فرجام می‌رسد (ص ۵۸۵-۵۸۷) و نویسنده به برخی از نتایج پژوهش خود اشاره می‌کند. برخی از این نتایج عبارتند از:

۱. ابن جتی در المحتسب نتوانسته همه قرائات را موجه سازد و به ضعف آن و خطا و غفلت قاری اشاره کرده است.

۲. او در کتابش در بند تقلید ابوعلی فارسی نمانده و نقدهایی بر او وارد ساخته است.

۳. او در نحو پیرو مدرسه نحوی بصره است؛ چرا که بر بغدادیان (نحات کوفی مسلک ساکن بغداد) می‌تازد و بزرگان مدرسه بصره چون سیبویه، اخفش، مازنی و مبرد را یاران و هم دیدنان خویش می‌داند.

کتاب «أثر المحتسب فی الدراسات النحویة» با پژوهشی دقیق، درون مایه کتاب ابن جتی را وااشکافته و فهرست موضوعی مفصلی از مسائل نحوی آن را به همراه نمونه ارائه کرده است، مسائلی که پیش از این در تو در توی استدلال‌های او بر درستی قرائات پنهان گشته بود و اکنون به همت دکتر حازم حلّی رخ نموده است. باشد که همتی این چنین، سرشت در هم تنیده و چند سویه دیگر آثار ادبی متقدمان را دریابد.

کتاب «أثر المحتسب فی الدراسات النحویة» با پژوهشی دقیق، درون مایه کتاب ابن جتی را وااشکافته و فهرست موضوعی مفصلی از مسائل نحوی آن را به همراه نمونه ارائه کرده است، مسائلی که پیش از این در تو در توی استدلال‌های او بر درستی قرائات پنهان گشته بود و اکنون به همت دکتر حازم حلّی رخ نموده است. باشد که همتی این چنین، سرشت در هم تنیده و چند سویه دیگر آثار ادبی متقدمان را دریابد.

پنج سفرنامه؛ ژاپنی‌های دیدار کننده از ایران در دهه ۱۹۲۰ میلادی

الهام بادینلو

سفرنامه‌نویسی قالبی است که نویسنده در آن مشاهدات خود را در طول سفر از اوضاع شهر و سرزمین‌هایی که به آنجا مسافرت کرده می‌نویسد و گزارش می‌کند. در این آثار نویسنده اطلاعاتی مانند موقعیت جغرافیایی، اوضاع اجتماعی، دینی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی یک منطقه و همچنین اطلاعات فراوانی در مورد زبان، معماری، بناها، بازارها و آداب و رسوم اهالی مناطق مورد بازدید خود را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

یکی از کشورهایی که سنت ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی قابل توجهی دارد کشور ژاپن است. ژاپنی‌ها بر اساس فرمان سال ۱۶۳۵ امپراتورشان از سفر به خارج از کشور منع شده بودند، اما از سال ۱۸۵۴ ارتباط با خارجی‌ها از سر گرفته شد. دولت میجی، هیأتی ژاپنی را در سال ۱۸۸۰ به ایران و عثمانی فرستاد^۱ که در واقع اولین گروه ژاپنی‌ها در ایران بودند. در حقیقت ژاپن که در پی نهضت تجدد (۱۸۶۸م) به تلاشی همه‌سویه و پر دامنه برای ساختن خود از درون برآمد، ناگزیر دید که در صحنه جهانی نیز حاضر و پویا باشد. این همه با هدف اعتلای مملکت و همسری یافتن با قدرت‌های غربی و سرانجام برتری یافتن بر آنها بود؛ هدفی که بزرگ‌مردان با عزم آن روزگار، پیش پای ملت نهاده و همه توش و توان کشور را برای رسیدن به آن بسیج کرده بودند. چنین بود که کمی بیش از یک دهه نگذشت که نخستین هیئت سفارت را به دربار قاجار فرستادند و پس از آن نیز کسانی به عنوان مأمور رسمی، سیاح و محقق به ایران آمدند. اما ژاپن نخستین سفارت خود در غرب آسیا را در استانبول پایتخت عثمانی گشود و تا بعد از جنگ جهانی اول در ایران نمایندگی دیپلماتیک نداشت.

رجب زاده در مقاله‌ای درباره نخستین ایرانی پژوهان ژاپنی نوشته است: شاید بتوان گفت که اولین بار دو عضو مقام دار هیأتی که در سال ۱۸۸۰م. ۱۳۲۷/۵-ق. از سوی دولت ژاپن به ایران آمدند به این کار پرداختند و شرحی هرچند کوتاه در سفرنامه هایشان آوردند. این دو یکی یوشیدو ماساهارو عضو وزارت خارجه و رئیس این هیأت و دیگری فوروکاوا نوبویوشی عضو لشکری این سفارت هرکدام سفرنامه مفصلی نوشته‌اند که در آن به ادبیات فارسی اشاره دارند. بعدها مسافران دیگری که از ژاپن به ایران آمدند، به خصوص در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، تجربه‌های تازه‌ای پیدا کردند و جزئیات بیشتری نوشتند. با نزدیک شدن جنگ با روس (۱۹۰۵-۱۹۰۴) ژاپن علاقه و توجه بیشتری به ایران نشان می‌داد و

پنج سفرنامه؛ ژاپنی‌های دیدار کننده از ایران در دهه ۱۹۲۰ میلادی؛ نوئی دا ئی شیرو؛ ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه اورا؛ تهران: طهوری، ۱۳۹۴.

۱. میرآخوخلو، نسرین؛ «ایران پژوهان ژاپنی»؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی ۱۳۹۱، ش ۱۷۶، ص ۸۵.

مسافران بیشتری از سرزمین آفتاب به اینجا می‌آمدند که شماری از آنها در جامه جهانگرد و راهب بودایی و خبرنگار روزنامه به ایران می‌آمدند، اما پیداست که همه می‌خواستند شناخت بیشتری و بهتری برای ژاپن از ایران، همسایه جنوبی روسیه در دیگر سوی آسیا پیدا کنند؛ زیرا که زمامداران و دست‌اندرکاران سیاست می‌دانستند که دیر یا زود با همسایه شمالی درگیر خواهند شد.^۲

در مقایسه با مسافران دیگر کشورها که از چند صد سال پیش به ایران آمده و سفرنامه نوشته‌اند، ژاپنی‌ها با شیوه و منش خاص ملاحظه‌اندیش و محافظه‌کار خود کمتر اظهار نظر صریح و روشن، به‌ویژه در انتقاد از احوال و رویدادها یا کار و کردار مردم کرده‌اند، اما چون از سویی بیشتر ژاپنی‌های نسل‌های پیش برای کار و مأموریت به ایران آمده و به هر روی می‌بایست گزارشی به دستگاه متبوع خود می‌داده‌اند و از سوی دیگر هم سفرنامه یا خاطره‌نویسی آنها به ژاپنی بوده (و احتمال نمی‌رفته است که ایرانیان، دست‌کم در آینده نزدیک، از محتوای آن آگاه شوند) فکر و احساس واقعی خود را به قلم آورده‌اند.^۲

کتاب پنج سفرنامه: ژاپنی‌های دیدارکننده از ایران در دهه ۱۹۲۰ میلادی

این کتاب که گزارش پارسی پنج سفرنامه و خاطرات ایران را در بردارد، شرح زندگی و کار چهار تن از فرستادگان ژاپنی در ایران و نیز یادنامه یکی از این فرستادگان است. در اینجا این پنج سفرنامه را به اختصار معرفی می‌کنیم:

سفرنامه اول: دیدار ایران و بین‌النهرین / نوئی دائی شیرو (۱۹۲۳ - ۱۹۲۴ م)

نوئی دائی شیرو، مأمور وزارت خارجه ژاپن، در سال ۱۹۲۳ همراه گروهی برای بررسی مصلحت ایجاد دفتر نمایندگی و نیز انعقاد عهدنامه بازرگانی که گفت‌وگوی آن از سال‌ها پیش میان نمایندگان سیاسی ایران و ژاپن در بعضی پایتخت‌های اروپایی در میان بود به ایران آمد. این رفت و برگشت او و همراهانش نه ماه و نیم طول کشید و وی پس از برگشتن به ژاپن جریان سفر و دیده‌ها و یافته‌هایش را در بیست بخش، زیر عنوان اوضاع ایران و عراق در پنج شماره از مجله چیری کیو، ایکو منتشر کرد. منابع معاصر ایرانی شمار اعضای هیأت نوئی‌دا را به تفاوت شش تا دوازده تن نوشته‌اند. سفر این گروه همزمان بود با ریاست وزرائی رضاخان و نوئی‌دا چند بار به دیدن این نخست‌وزیر مقتدر ایران رفت. وی و همراهانش حدود یکصد روز در تهران ماندند و بررسی‌های گوناگونی کردند. او شناختن فکر و احساس ایرانی‌ها نسبت به ژاپن و ژاپنیان را مهم‌ترین هدف مأموریت خود یاد کرده و گفته است که برای یافتن حقیقت حال، سوای مقام‌ها و مأموران کشوری و لشکری، با قشرهای گوناگون مردم از روزنامه‌نویس و نماینده مجلس و دیگران پرس‌وجو کرده. نوئی‌دا همچنین شرحی درباره شرکت نفت انگلیس و ایران، اقلیم و جغرافیا و اقوام ایران، جمعیت تهران، ضعف حکومت قاجار و احمد شاه، قدرت یافتن سردار سپه، گزارش آمار بازرگانی میان ایران و ژاپن و نیز فعالیت تجار آلمانی در ایران را نوشته است.

سفرنامه دوم: یاد تهران / اوچی یاما ایواتارو (۱۹۲۶-۱۹۲۷ م)

ایواتارو اوچی یاما (۱۸۹۰-۱۹۶۷) در دومین سال سلطنت رضاشاه برای افتتاح نمایندگی دیپلماتیک ژاپن به ایران آمد و یک سال (مهر ۱۳۰۵ تا مهر ۱۳۰۶) در تهران مقیم بود. وی در این مدت به عنوان دبیر سفارت ژاپن در استانبول و مأموران نمایندگی در تهران معرفی شده بود و در واقع سمت رسمی نداشت. پس از مرگ وی در ۷۷ سالگی، انجمن بررسی تاریخی ایالت کاناگاوا یادنامه‌ای به افتخار او منتشر کرد، با عنوان «یادگار ۷۷ سال زندگی ایواتارو اوچی یاما».

سفرنامه و خاطرات وی که شرح داستانی اقامت یک ساله او در تهران و مقدمات این مأموریت است با ترجمه فارسی هاشم رجب‌زاده زیر عنوان یاد تهران در ماهنامه کلک منتشر شد. این سفرنامه با آنکه

در مقایسه با مسافران دیگر کشورها که از چند صد سال پیش به ایران آمده و سفرنامه نوشته‌اند، ژاپنی‌ها با شیوه و منش خاص ملاحظه‌اندیش و محافظه‌کار خود کمتر اظهار نظر صریح و روشن، به‌ویژه در انتقاد از احوال و رویدادها یا کار و کردار مردم کرده‌اند، اما چون از سویی بیشتر ژاپنی‌های نسل‌های پیش برای کار و مأموریت به ایران آمده و به هر روی می‌بایست گزارشی به دستگاه متبوع خود می‌داده‌اند و از سوی دیگر هم سفرنامه یا خاطره‌نویسی آنها به ژاپنی بوده (و احتمال نمی‌رفته است که ایرانیان، دست‌کم در آینده نزدیک، از محتوای آن آگاه شوند) فکر و احساس واقعی خود را به قلم آورده‌اند.

۲. رجب‌زاده، هاشم؛ «ایران پژوهی ژاپنی‌ها»؛ اطلاعات حکمت و معرفت، سال یازدهم، ش ۵.

۳. رجب‌زاده، هاشم؛ «سفرنامه‌های ژاپنی ایران»؛ نامه انسان‌شناسی، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۱۷.

ناروسه که مقام دبیری در رده دیپلماتیک داشت، در دنباله ماموریتش در مسکو به تهران آمد و جانشین آقای «ن» شد، اما از بخت بد بر اثر کمبود مواد غذایی تازه (و ویتامین دار) تحمل ناخوشی را نداشت. او در تهران درگذشت، و جسدش را (به رسم ژاپن) در کوهی در حومه تهران در کوره موقتی که برای این کار ساخته بودند، سوزاندند.

سفرنامه پنجم: دیدارم با رضاشاه: شرح باریابی نخستین وزیرمختار ژاپن نزد رضا شاه / کاساما آکی‌تو (۱۹۲۹ م)

کاساما آکی‌تو نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران بود که با استوارنامه رسمی در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۲۹ برابر با ۱۹ آذر ۱۳۰۸ به تهران رسید و تا ۲۳ اکتبر ۱۹۳۲ برابر با ۱ آبان ۱۳۱۱ در ایران مأمور و مقیم بود. او مردی اهل فضل، محقق، تاریخ‌دان، هنرشناس، و صاحب قلم بود و پس از پایان مأموریتش در ایران خاطره‌ها و یافته‌های خود را در کتابی با عنوان سرزمین‌های بیابان: ایران، عربستان، ترکیه منتشر کرد که مجموعه‌ای پرمحتوا در معرفی تاریخ، تمدن، فرهنگ و جامعه ایران است.

وی در سفرنامه خود نوشته است: از فراموش ناشدنی‌ترین تجربه‌هایم در سال‌های زندگی در خارج از ژاپن، دیدار و گفتگو با رضا شاه در کاخ گلستان است. او همچون اژدهایی که [در افسانه‌های چین و ژاپن] بر بال ابر و باد در آسمان‌ها اوج می‌گیرد، بر شهباز اقبال نشسته و بخت یار و قهرمان شده بود. تهران، پایتخت ایران، در جلگه‌ای به بلندی چهار هزار پا افتاده و هوایش همیشه خشک و آفتابی است. تقدیم استوارنامه در یک روز ابری در ماه دسامبر سال ۱۹۲۹ (دی ماه ۱۳۰۸) انجام گرفت. کوه دماوند که ما ژاپنی‌ها آن را «فوجی ایران» می‌نامیم، با بر و دوش برف پوشیده بروشنی پیدا بود... رضا شاه در میانه تالار و نزدیک به در ورودی ایستاده بود. او مردی بلند قامت، به بالای حدود شش پا، و خوش اندام می‌نمود، و وقار شاهانه داشت. او آن روز لباس رسمی با نوار آبی پوشیده، و بالاترین نشان‌های ایران را به سینه زده بود. کنار رضا شاه، تیمورتاش، وزیر دربار و گرداننده واقعی دستگاه حکومت در آن روزها، و (محمدعلی) فرزند وزیر خارجه که پس از چندی وزیرمختار ایران در آلمان شد، ایستاده و به من چشم دوخته بودند.

پایان کلام اینکه کتاب «پنج سفرنامه: ژاپنی‌های دیدارکننده از ایران در دهه ۱۹۲۰ میلادی» با ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی نه‌اورا از سوی نشر طهوری در سال ۱۳۹۴ در پانصد نسخه و ۱۷۰ صفحه منتشر شده است.

از نظر تحقیق تاریخی و شناختن احوال سیاسی آن روزگار ارزش چندان ندارد، تصویری از حال و هوای آن سال‌ها و وضع تازه ایران پس از تغییر سلطنت به دست می‌دهد. اوچی‌یاما به تمایل و تلاش مقام‌های ایرانی برای بهره‌مند شدن از اصل برابری در مناسبات خود با دولت‌های قوی اشاره دارد، اما درباره مردم ایران و زندگی ایرانیان جز دو سه نکته پیرامون رفتار خدمه ایرانی خود که برآمده از معتقدات آنها بوده، سخنی نگفته است.

سفرنامه سوم: سفرنامه ایران / کوروئی تا کاتسومی (۱۹۲۸ م)
کوروئی تا کاتسومی (۱۹۴۶-۱۸۷۴) دانشمند تاریخ ژاپن و استاد دانشگاه امپراتوری توکیو و تخصص او در اسناد کهن تاریخی بود. وی رساله دکتری خود را در موضوع «گونه‌های اسناد تاریخی ژاپن» گذراند و از سال ۱۹۳۶ به بررسی آثار تاریخی پرداخت و به ظاهر سفر ایران او هم در پی جویی همین رشته تحقیق بود. کوروئی تا شرح سفر ایران خود را در سخنرانی‌ای که به دعوت انجمن کی‌می ترتیب یافته بود گفته و متن آماده شده این سخنرانی تحت عنوان گفتار درباره سفر به ایران منتشر شده است.

وی گفته که در سفرش به ایران مأموریت رسمی نداشته و از سوی دستگاهی حمایت نمی‌شده است و فقط به توصیه معاون وزیر خارجه ژاپن سفر انگلیس در توکیو، سفارشنامه‌ای به عنوان مقام‌های حکومت انگلیسی هند به او داد که با نشان دادن آن و سفارشی که سرکنسول ژاپنی در بمبئی کرد توانست در اینجا رویداد ورود به عراق را بگیرد. او گفته است که در سفر ایران گروهی سه نفره بودند که هیچ کدام فارسی نمی‌دانسته و مترجمی هم نگرفته بودند. از بخت نیک، کنسول ایران در بمبئی که به مرخصی به ایران می‌رفت در کشتی از کراچی تا بوشهر هم سفرشان بوده و راهنمایی و یاری فراوان کرده است.

وی وصفی از دیدنی‌ها و فراورده‌های ایران و جلوه‌هایی مانند کاریز در بیابان و باغ‌های شیراز و پارچه و مخمل بافی در کاشان آورده، اما از دیدار با مقام‌ها و مردم ایران یاد نکرده است. وی در تحسین زیبایی و گیرایی کوه دماوند گفته است: اگر همه حاصل سفرم به ایران دیدن دماوند بوده باشد، این سفر به رنج و دشواری هایش می‌ارزد.

سفرنامه چهارم: آرمیده در خاک ایران (یادنامه ناروسه شونسوکه) / تایراتی زو (۱۹۲۹ م)

تایراتی زو (۱۸۹۴-۱۹۷۸) اندیشمند و نویسنده ژاپنی مقاله‌ای را به یاد دوست جوانمرگش ناروسه شونسوکه نگاشته و گزارش فارسی آن در این کتاب آمده است.

در بخش ۲۱ خاطرات اوچی‌یاما از مأموریتش در ایران که گزارش فارسی آن در این کتاب آمده، از ناروسه چنین یاد شده: شنیدم که چندی پس از رفتن ما از تهران دیپلمات جوانی با آینده امیدبخش، به نام

عشق و تلاش

خاطرات حجت‌الاسلام و المسلمین محمدجواد حجتی کرمانی

فاطمه یاقوتی

اگر یک شخصیت سیاسی در دوران فعال زندگی خود به دلایل گوناگون نتواند رویدادهای جاری در اطراف خود را آشکارا شرح دهد؛ صبر می‌کند تا در دوران فراغت و در محیط امن و آرام فرصت برای نوشتن آنها اختیار کند تا آن را همان زمان یا سال‌ها بعد به دست انتشار بسپارد. به همین دلیل خاطره یکی از عوامل ثبت تاریخ برشمرده می‌شود و این دست کتاب‌ها در صدر منابع تاریخی معاصر قرار می‌گیرند. خواندن این روایت‌های دست اول دو امکان به دست می‌دهد: رسیدن به تحلیل‌های شخصی و سپس موشکافی در خاطره‌ها به قصد روشنگری.

تاریخ شفاهی نوعی شیوه جمع‌آوری و آماده‌سازی اطلاعات تاریخی از طریق ضبط مصاحبه با شرکت‌کنندگان در رویدادهای تاریخی است. تاریخی شفاهی از دهه ۱۹۴۰ با ضبط مطالب روی نوار آغاز شد. تاریخ شفاهی مبتنی است بر مصاحبه رودررو با تاریخ‌سازان و مصاحبه پژوهشگر تاریخ با نقش‌آفرین تاریخ در مورد تجربیات خاصی که دارد. بهره‌جستن از روایات شفاهی به عنوان یک منبع تاریخی، امری همیشگی در تاریخ‌نگاری هر ملیتی است.

پایگاه‌ها و گروه‌های مختلفی وجود دارد که به جمع‌آوری خاطرات اشخاص و گروه‌های سیاسی می‌پردازد که نمونه‌هایی از آن را در ذیل خواهیم آورد:

۱. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری که از سال ۷۲ توسط هدایت الله بهبودی و مرتضی سرهنگی با گردآوری تاریخ شفاهی سال‌های انقلاب (۳۹-۵۷) شروع به کار کرد. خاطرات سیدعلی اکبر محتشمی پور، مرتضی الویری، جواد منصوری جهانبگیر تفضلی، هادی غفاری، رجبعلی طاهری، عزت شاهی، اکبر براتی، جلال‌الدین فارسی، مرضیه حدیده چی دباغی و احمد احمد از جمله برخی آثار منتشر شده این دفتر است.

۲. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران متعلق به بنیاد مستضعفان که با تکیه بر اسناد بجامانده از چهره‌های فراری در خانه‌های مصادره‌ای کار خود را آغاز کرد. تمرکز این مؤسسه تاریخ دوران قاجار و پهلوی و دریافت جوانب ضعف و فروپاشی قاجار و شکل‌گیری پهلوی است. پرونده ناتمام، عملیات ظفار و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی از جمله آثار این مؤسسه است.

۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی توسط سیدروح‌الله در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد و امروز روح‌الله حسینیان ریاست آن را بر عهده دارد. خاطرات فضل‌الله محلاتی، محدثی فلسفی، سیدعلی اصغر دستغیب، علی

عشق و تلاش (خاطرات
حجت‌الاسلام و المسلمین
محمدجواد حجتی کرمانی)؛ به
کوشش معاونت پژوهشی مؤسسه
تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛
تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار
امام خمینی، ۱۳۹۵.

دوانی، عمید زنجانی، محمد یزدی، محمد محمدی ری شهری، محمد مهدی عبد خدایی، طاهر احمدزاده از جمله مجموعه خاطرات منتشر شده این مرکز است.

۴. بنیاد تاریخ معاصر ایران که با توصیه آیت‌الله خامنه‌ای و در زمان ریاست جمهوری ایشان تأسیس شد و در ابتدا آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و عبدالحمید معادپخواه از اعضای اصلی هیئت مدیره آن بودند و بیشتر بر خاطرات علمایی مانند آیت‌الله بهاء‌الدینی تمرکز داشت. کتاب هفت هزار روز غلامرضا کرباسچی از دیگر آثار این بنیاد است.

۵. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی که توسط عبدالله شهبازی بنا شد و کتاب‌های کودتای نوژه، خاطرات ارتشبد حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، نورالدین کیانوری و ایرج اسکندری از جمله آثار آن است.

۶. مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات بیشترین کار خود را متوجه ترجمه اسناد و اسم رمزها کرده است، اما با دسته‌بندی اسناد مرتبط با شخصیت‌های انقلابی وارد حوزه تاریخ شفاهی نیز شده است. شهید بهشتی، شهید مطهری، امام موسی صدر، جلال آل احمد، ملا احمد کروی، محمدعلی رجایی، محمدتقی جعفری، محمدتقی فلسفی و برخی شخصیت‌های پهلوی مانند اشرف پهلوی، اردشیر زاهدی، منوچهر اقبال، تیمور بختیار، عبدالعظیم ولیان از جمله شخصیت‌هایی هستند که این مؤسسه درباره سرگذشت آنها کنکاش انجام داده است.

۷. دو مؤسسه اطلاعات و کیهان در میان مؤسسات مطبوعاتی با توجه به اسناد و آرشیوهای غنی، به جمع‌آوری برخی کتاب‌های تاریخی شفاهی دست زدند که از آن جمله خاطرات پرویز راجی، مینو صمیمی، استانیفیلد ترنر- رئیس سازمان سیا در زمان کارتر، سقوط شاه نوشته فریدون هویدا، ماموریت در تهران نوشته ژنرال رابرت هایزر، روتارین‌ها و فراماسونری مهم‌ترین آنهاست.

۸. دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران که توسط عباس سلیمی نمین از سال ۸۰ کار خود را آغاز کرده است و نقد کتاب در کنار گردآوری خاطرات گروهی برخی افراد درباره وقایع مهم مانند ۱۵ خرداد را سرلوحه کاری خود قرار داده است.

۹. مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی مؤسسه‌ای است که به نشر آثار سیدروح‌الله خمینی می‌پردازد و از هنگام بنیان‌گذاری در سال ۱۳۶۷ تا کنون با نظارت فرزندان و نوادگان او اداره شده است. این مؤسسه در قالب‌هایی چون نگهداری اسناد روح‌الله خمینی، تنظیم و چاپ کتاب‌های او و مقالات مربوطه فعالیت می‌کند و بر چاپ تمام مطالب و کتاب‌های ناشران دیگر درباره وی نظارت دارد.

۱۰. مؤسسه عروج؛ مؤسسه چاپ و نشر عروج در راستای رسالت کاری خود هر ساله ده‌ها جلد کتاب و آثار قلمی حضرت امام و مرتبط با اندیشه‌های ایشان را در زمینه‌های مختلف و گوناگون، چاپ و در اختیار علاقه‌مندان، و پژوهشگران قرار می‌دهد.

مؤسسه عروج در سال ۱۳۹۵ کتابی چاپ کرد با نام عشق و تلاش (خاطرات حجت‌الاسلام و المسلمین محمدجواد حجتی کرمانی) که شماره ۳۶ از مجموعه ارزشمند «یادها» است. واژه «یادها» عنوانی عمومی است که برای خاطرات و کتاب‌های تاریخ شفاهی منتشره از سوی معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی انتخاب شده است. کتاب عشق و تلاش حاصل بیش از ۲۰ جلسه بیان خاطرات یکی از یاران حضرت امام خمینی و از قدیمی‌های دوران مبارزه با رژیم ستمشاهی است که به طریقی گوشه‌ای از تاریخ شفاهی کرمان را هم در برمی‌گیرد.

راوی این خاطرات گفته‌های خود را از کرمان و درباره پدرش و دوران تحصیلات اولیه در کرمان آغاز می‌کند

مؤسسه عروج در سال ۱۳۹۵ کتابی چاپ کرد با نام عشق و تلاش (خاطرات حجت‌الاسلام و المسلمین محمدجواد حجتی کرمانی) که شماره ۳۶ از مجموعه ارزشمند «یادها» است. واژه «یادها» عنوانی عمومی است که برای خاطرات و کتاب‌های تاریخ شفاهی منتشره از سوی معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی انتخاب شده است. کتاب عشق و تلاش حاصل بیش از ۲۰ جلسه بیان خاطرات یکی از یاران حضرت امام خمینی و از قدیمی‌های دوران مبارزه با رژیم ستمشاهی است که به طریقی گوشه‌ای از تاریخ شفاهی کرمان را هم در برمی‌گیرد.

بردن نام امام خمینی توجهی نکنند و اسم امام را در مراسم چهلم مطرح کنند. در چهلم مصطفی خمینی، محمدجواد حجتی کرمانی و صادق خلخالی و ربانی املشی سخنرانی کردند.

او قطعنامه‌ای در چهارده ماده تنظیم و در مراسم چهلم مصطفی خمینی در مسجد اعظم قم قرائت کرد. در این قطعنامه درخواست‌هایی مطرح و تأیید حضار با فریادهای «صحیح است، صحیح است» گرفته شد این خواست‌ها شامل بازگشت سریع مرجع عالیقدر خمینی، قطع رابطه با اسرائیل، انحلال سازمان امنیت و بندهای دیگری بود. صحنه گردانی در این مجلس و خواندن قطعنامه پایانی منجر به تبعید محمدجواد حجتی کرمانی شد. در تبعید به ایرانشهر مدتی با سیدعلی خامنه‌ای بوده است و سپس به سنندج تبعید می‌شود. (ص ۳۷۷-۳۷۹)

در روز ۲۴ آذر ۱۳۵۷ در مسجد امام (مسجد ملک سابق) کرمان اجتماع عظیمی با حضور محمدجواد حجتی کرمانی برپا شد و پس از آن راهپیمایی مردم با مخالفت و خشونت مأمورین روبرو شد. در این درگیری شماری هم زخمی شدند.

وی با دریافت نامه‌ای از علامه طباطبایی توسط برادرش علی حجتی کرمانی، به توصیه وی اقدام به ترجمه سه جلد از تفسیر المیزان در زندان می‌کند. (ص ۲۵۲)

وی در جریان مبارزات انقلابیون و به‌ویژه کرمانی‌ها در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ از فعالان و لیدرهای مبارزات و حرکات مردمی بود و پس از پیروزی انقلاب ایران (۱۳۵۷) نیز به عنوان اولین امام جمعه کرمان منصوب شد. وی در سال ۱۳۵۸ به عنوان نماینده مردم کرمان به مجلس خبرگان قانون اساسی و در همان سال از طرف مردم تهران به مجلس شورای اسلامی راه یافت. او در سال ۱۳۶۹ نیز از سوی مردم کرمان به عنوان نماینده در مجلس خبرگان رهبری برگزیده شد.

و از ورود به حوزه علمیه قم و وقایع پیش آمده و ورود در مبارزات و پیشامدهای متعدد و سرانجام روزهای اوج و پیروزی انقلاب اسلامی سخن می‌گوید که در قالب این کتاب تنظیم شده است.

کتاب عشق و تلاش که از جمله جدیدترین منشورات فراهم شده در معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) است، دارای ۱۲ بخش به همراه پیوست‌ها و فهارس قالب بندی شده است. بخش‌های دوازده گانه شامل این مباحث است:

بخش اول: زندگی شخصی

بخش دوم: دانستنی‌هایی از کرمان

بخش سوم: خاطرات قم (۱۳۳۷-۱۳۳۱ ش.)

بخش چهارم: نگاهی از منظر سیاسی به حوزه علمیه قم بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا فوت آیت‌الله بروجردی (۱۳۳۴۰)

بخش پنجم: تجزیه و تحلیل پاره‌ای از وقایع سیاسی ایران

بخش ششم: رحلت آیت‌الله بروجردی و حوادث دهه ۴۰

بخش هفتم: کرمان و نهضت اسلامی

بخش هشتم: حزب ملل اسلامی

بخش نهم: دوران زندان

بخش دهم: پس از آزادی

بخش یازدهم: دوران تبعید (۱۳۵۷-۱۳۵۶)

بخش دوازدهم: پس از آزادی

محمدجواد حجتی کرمانی درباره ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از وقایع مشهود چنین می‌گوید: من روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مشهد بودم که جلوی مدرسه نواب، تظاهرات طرفداران شاه را با فحش‌های رکیکی که به مرحوم مصدق داده می‌شد دیدیم. سربازهای سوار بر کامیون‌ها و مردم عادی و لات و لوت مشهد و عربده‌کشی‌های آنها را من به چشم خود از نزدیک دیدم. سوءادب‌ها و فحاشی‌های ناموسی زشتی را که به مرحوم دکتر مصدق می‌شد، هرگز فراموش نمی‌کنم، اما با وجود این به خاطر ذهنیتی که بسیاری از فعالان سیاسی و به خصوص محافل مذهبی از گسترش فعالیت حزب توده و لامذهبی‌گری داشتند، زمینه سقوط دولت دکتر مصدق فراهم شده بود؛ چرا که تبلیغات گسترده و وسیع توده‌ای‌ها و جو مسمومی که به وجود آورده بودند، بسیاری را سخت مضطرب کرده بود. واقعاً هم خطر جدی وجود داشت که حزب توده که از طرف شوروی حمایت می‌شد بر ایران مسلط شود. توده‌ای‌ها فضای ایران را آلوده کرده بودند و شعارهای ضد دینی و ضد روحانیت به اندازه‌ای شدید بود که حد نداشت. (ص ۹۶)

حجتی کرمانی در حوادث منجر به پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ نقشی تأثیرگذار داشت. او در چهلم مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ با ربانی شیرازی، خلخالی و عده‌ای دیگر در منزل عبدالرحیم ربانی شیرازی جلسه‌ای تشکیل می‌دهد و تصمیم بر این می‌شود که به ممنوعیت

فرهنگ آثار عرفان اسلامی: راهنمای موضوعات و مضامین، قم

نیره خداداد شهری

دانشجوی دکتری بازاریابی اطلاعات دانشگاه تهران

اشاره

دین مبین اسلام، ابعاد معنایی و معنوی بسیاری دارد که شامل عقاید، احکام، اخلاق، عرفان و ... می‌شود. به جرأت می‌توان گفت پرونده علمی و کارنامه ادبی عرفان اسلامی، یکی از شاخه‌های بس پربرگ و بار این درخت کهن و پربار است.

کسانی در وادی عرفان قلم زده‌اند که معمولاً در طول تاریخ از آنها با عنوان اسوه و الگو و مرجع حل مشکلات روحی و فکری و پناهگاه امن در در هیاهوی زندگی یاد می‌شده و می‌شود. میراث عرفان اسلامی از دیرباز تا کنون مورد توجه عام و خاص بوده و هر کس به فراخور حوصله و درک خود، از این زلال معنوی بهره می‌گرفته و می‌گیرد.

حاصل سخن اینکه ما هم اکنون میراث دار گنجینه گرانسنگی با عنوان کتاب‌های عرفان در فرهنگ اسلامی هستیم که ذخیره ارزشمندی از معارف و عقاید محسوب می‌شوند.

متأسفانه این متون ارزشمند - چنان که باید و شاید - از مهجوریت و عزلت بیرون نیامده و جایگاه خود را در چارچوب نظام تحقیقاتی ما به دست نیاورده و حق آنها آن‌گونه که شایسته این موضوع مهم و محتوای غنی و مؤلفان آنهاست ادا نشده است. مهم‌ترین دلیل گمنام ماندن این متون، ناشناخته بودن شان از دید و نظر محققان و پژوهشگران است. شمار محدودی از این کتاب‌ها را محققان می‌شناسند و بسیاری از آنها به دلیل عدم شناسایی و متأسفانه کم‌همتی محققان مورد بی‌مهری واقع شده و از دیده‌ها پنهان مانده است.

بدیهی است گام اول و پیش نیاز اساسی برای بهره‌بردن از این منبع غنی، شناخت مهم‌ترین آثار آن است تا زمینه بهره‌گیری بیشتر، نقد و بررسی، تجزیه و تحلیل گزاره‌ها، ارائه راه حل و راهکارهای مناسب برای جامعه فراهم شود. یکی از فعالیت‌های پژوهشگران برای شناساندن این منابع ارزشمند، تهیه کتابشناسی است.

کتابشناسی تنها پژوهش نیست، بلکه خدمتی است به پژوهشگران تا با به دست آوردن نگاهی اجمالی و آگاهی بیشتر، وقت خویش را به مطالعه تفصیلی آثار علمی اختصاص دهند. کتابشناسی علاوه بر آنکه باید به قلم کتابشناس کارکشته و خبره صورت گیرد، باید از روشی اصولی و مطمئن پیروی کند تا مفید واقع شود.

باقریان موحد، سیدرضا؛ شاکرنژاد، احمد و حسین مرادی؛ فرهنگ آثار عرفان اسلامی: راهنمای موضوعات و مضامین، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۵۹۱ صفحه، ۱۳۹۵.

۱. فرهنگ آثار عرفان اسلامی، ص ۲۱-۲۲.

اصول، قواعد و روش‌ها) و ویژگی‌های تکرارشونده در ساخت و اسلوب آن یا بازی‌های ویژه زبانی در آن نیست، بلکه سعی شده از دو بُعد صورت (نحوه بیان مطالب) و محتوا (درون‌مایه و کلیدواژه‌ها) آثار موجود در گستره ادبیات عرفانی بررسی شود. این ابعاد به صورت مفصل در بخش «سبک‌شناسی موضوعی آثار عرفانی» مطرح شده که در ادامه تنها به ذکر عناوین آن اکتفا می‌کنیم.

نوشته‌های عرفانی را می‌توان براساس مشترکات‌شان در شکل و صورت، به گونه‌های ذیل تقسیم کرد:

کتاب؛ مقالات، رسایل (جستارنامه)؛ مجالس (گفتارنامه)؛ مکاتیب؛ پرسش و پاسخ یا استجوابیه (اجوبه و استفتائیه)؛ اصطلاح‌نامه؛ یادیارنویسی؛ شرح، تعلیقه، تحشیه، تفسیر و مقدمه و منتخبات.

تقسیم‌بندی سبک‌های محتوایی در آثار عرفانی عبارتند از: کتاب جامع؛ اندرز و نصیحت؛ حکایت؛ تبیین مسائل نظری عرفان (حکمت و کلام عرفانی)؛ تبیین مسائل عملی (مقدمات، مراحل، آداب و دقایق سلوک، شرح کرامت و اعمال قلوب)؛ درمان و کمال بخشی معنوی؛ دفاعیه و ردیه؛ داستان رمزی و تمثیلی؛ تغزل و عاشقانه‌ها؛ تذکره، تراجم، سیر و ...

کتاب حاضر حاصل تلاشی است شش‌ساله برای معرفی آثار عرفانی که با اشراف متخصصان این فن، با نیم‌نگاهی به کتابشناسی‌های موفق و ناموفق، سعی بر آن داشته اثری متفاوت باشد از آنچه متداول است و برای آنکه آثار عرفانی را در نهایت بی‌طرفی معرفی کند، به چند شیوه به حذف کتابشناسی پرداخته است:

- نخست به جای ارائه برداشت سلیقه‌ای از محتوای آثار، به زبان فهرست و نمایه همان آثار از آنها سخن گفته است.

- دوم با سبک‌های متنوع و طرح واژگان کلیدی هر سبک، محتوایی را که از لایه لای فهرست‌ها نشان داده نمی‌شد، در معرض دید محققان قرار داده است. همچنین با ارائه نمایه‌ها و فهرست‌های تکمیلی، یافتن آثار را با محتوای مورد نظر آسان نموده است.

فرهنگ آثار عرفان اسلامی در راستای تکمیل کتابشناسی‌های دیگر این حوزه نوشته شده است؛ بدین معنا که در اینجا توصیف و تحلیل کتاب مدنظر نیست، بلکه گزارش مفصلی از موضوعات و فهرست و نمایه‌های کتاب آمده تا دورنمایی از موضوعات کتاب را ارائه دهد.

محیط جغرافیایی این کتابشناسی از نظر چاپ و نشر سراسر دنیای اسلام از هند و پاکستان تا یمن و مغرب را شامل می‌شود، اما توجه و عنایت عمده به آثاری است که در ایران نوشته یا ترجمه یا منتشر شده و هم اکنون در کتابخانه‌های مهم ایران وجود دارد.

این کتابشناسی تحلیلی نیست، بلکه توصیفی است؛ یعنی بیشتر به

در این نوشتار، قصد معرفی فرهنگ آثار عرفان اسلامی را داریم. کتاب حاضر کوششی است برای شناساندن مهم‌ترین کتاب‌هایی که در حیطه عرفان اسلامی از دیرباز تا کنون در قلمرو کشورهای اسلامی نوشته شده‌اند.

معرفی اثر

فرهنگ آثار عرفان اسلامی توسط آقایان باقریان موحد، شاکرنژاد و مرادی تألیف شده است. در شناسنامه کتاب مرکز اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) به عنوان تهیه‌کننده و ناشر اثر معرفی شده است.

این کتاب در ۵۹۱ صفحه و قطع رحلی منتشر شده که از نظر ظاهری، جلد و صفحه‌آرایی قابل قبول و منظمی دارد.

ابتدا مدیر مرکز اخلاق و تربیت پیشگفتار موجز و مختصری بر اثر نگاشته و در این پیشگفتار ضمن صحبت در خصوص فواید کتابشناسی از زحمات مؤلفین نیز تشکر کرده است.

سپس باقریان موحد در مقدمه به معرفی اثر پرداخته است. این مقدمه در چند بخش و به صورت تفصیلی نگارش یافته است. ابتدا از ضرورت تدوین کتابشناسی عرفان اسلامی سخن به میان آمده و همچنین اشاره‌ای به پیشینه کتابشناسی در حوزه عرفان اسلامی شده است. در ادامه قلمروی فکری و مذهبی مؤلفان کتاب‌هایی که به عنوان مدخل در این اثر اجازة ورود گرفته‌اند بررسی شده است. سپس گستره جغرافیایی کتابشناسی تشریح شده است.

روش کتابشناسی، محدوده کتابشناسی و شیوه تنظیم کتابشناسی در بخشی با عنوان ساختار فنی کتابشناسی، به طور کامل برای خواننده تشریح شده است. تدوین این بخش یکی از نکات مثبت و مفید این کتابشناسی است؛ زیرا خواننده با مطالعه مقدمه مؤلف به طور کامل با روش و عملکرد وی در تألیف این اثر آشنا می‌شود.

در نهایت نیز موانع و محدودیت‌ها عنوان شده، میزان و نحوه دخل و تصرف در فهرست‌ها توضیح داده شده و از کاستی‌های پیش آمده پوزش طلبیده شده است.

پیش از ورود به معرفی آثار عرفان اسلامی، مبحثی در بیش از ۵۰ صفحه با عنوان «سبک‌شناسی موضوعی آثار عرفانی» به قلم احمد شاکرنژاد پیش روی خواننده قرار می‌گیرد.

شاکرنژاد برای افزون شدن فواید جنبی این مجموعه، در این مجال نگاهی از فراز به سبک‌ها و گونه‌های نگارش در حوزه عرفان تا سبک‌شناسی آن خواهد داشت تا بستری برای شناخت بهتر محتوا فراهم گردد. البته در اینجا مراد از سبک و سبک‌شناسی، معنای تخصصی آن، یعنی استخراج کلیت ویژه و متمایز یک اثر (از حیث

توصیف محتوای کتاب‌ها پرداخته و از تحلیل انتقادی پرهیز کرده است. در توصیف کتاب‌ها نیز توصیف دامنه موضوعی اثر براساس فهرست و نمایه کتاب مدنظر بوده است.

این کتابشناسی جامع و فراگیر نیست. گزینشی و برگزیده است؛ یعنی اولاً صرفاً به کتاب‌های عرفانی (خواه تک‌نگاری یا مجموع رسایل یا موضوع) پرداخته و به سایر انواع مآخذ، مانند مقالات، پایان‌نامه‌ها و... نپرداخته. ثانیاً در این مجموعه در حدود پانصد کتاب با موضوع عرفان اسلامی، گزینش و معرفی شده است.

در خصوص شیوه تنظیم این کتابشناسی در ادامه نکاتی مطرح می‌شود.

- این کتابشناسی از یک مقدمه و معرفی توصیفی فهرست حدود پانصد کتاب عرفان اسلامی تشکیل شده است.

- این مجموعه براساس شیوه تنظیم الفبایی نام پدیدآورنده شکل گرفته است، نه شیوه الفبایی نام کتاب‌ها. اجرای این شیوه نسبت به شیوه‌های دیگر امتیازات فراوانی دارد؛ از جمله اینکه می‌توان پرونده و کارنامه علمی نویسندگان را یک جا مشاهده و مطالعه کرد و میزان تحقیقات را شناسایی و با دیگران مقایسه نمود. البته در پایان کتاب، نمایه کتاب‌ها براساس الفبای نام کتاب‌ها آمده که اشکالات و نقص شیوه الفبای پدیدآورنده را جبران می‌کند.

- نام پدیدآورنده کتاب بدون هیچ تصرفی در املائی آن و در مطابقت کامل با ضبط آن در اثر انتشار یافته آمده است. این سرشناسه با قلم سیاه یک سطر بالاتر از دیگر مشخصات کتاب آمده است. عنوان کتاب نیز با قلم متفاوت بدون هیچ تصرفی در املائی آن در ابتدای معرفی کتابشناختی آمده و در ادامه آن نام کمک‌پدیدآورنده (مصحح، مترجم و...)، محل نشر، نام ناشر، سال چاپ، تعداد چاپ، تعداد صفحات و قطع کتاب آمده است.

- بخش اول هر کتاب، اطلاعات شناسنامه‌ای آن کتاب است.

- بعد از معرفی شناسنامه‌ای کتاب، در قالب یک یا دو جمله کوتاه رده‌بندی موضوعی کتاب البته به شکلی کلی و عام آمده است.

- بعد از آن فهرست کتاب با ذکر شماره صفحات آن آمده است. در آوردن فهرست‌ها به سه شکل عمل شده است:

• در بیشتر آورده فهرست کامل کتاب‌ها آمده است.

• در برخی موارد که فهرست کامل کتاب‌ها بسیار گسترده بوده، خلاصه مفیدی از آنها آمده است.

• در موارد اندکی که کتاب فاقد فهرست مندرجات بوده، نگارنده این کتابشناسی فهرستی را استخراج کرده است.

- نکته قابل ذکر این است که فهرست‌ها به هیچ وجه آینه تمام‌نمای

مطالب کتاب‌ها نیستند و تنها گزارشگر کلیات کتاب‌اند.

- در مورد کتاب‌های مهم و مرجع این‌گونه عمل شده است که بعد از ذکر فهرست، بخش کوچکی از نمایه اصطلاحات و تعابیر فنی آن کتاب آمده است تا سیمای مطالب کتاب را بهتر نشان بدهد.

- هیچ کتابی با واسطه (از طریق کتابشناسی‌ها و نشریات) معرفی نشده است و تک‌تک آنها مورد مطالعه مستقیم قرار گرفته و در پی آن، فهرست و نمایه‌شان استخراج شده است.

- در پایان کتاب، نمایه الفبایی پدیدآورندگان، کتاب‌ها، موضوعات و... آمده است که در حکم راهنمای استفاده از این مجموعه است.

در این اثر ۴۴۰ چهل کتاب در حوزه عرفان اسلامی از بیش از ۲۰۰ نویسنده معرفی شده است. در ادامه به نام برخی از این مؤلفان و کتاب‌ها برای آشنایی بیشتر خوانندگان اشاره می‌گردد.

حیدربن علی آملی؛ عمر بن علی ابن الفارض؛ ابن بزار اردبیلی؛ عبدالرحمن بن علی ابن جوزی؛ عبدالرحمان بن محمد ابن خلدون؛ محمد بن علی ابن عربی؛ محمود بن عبدالکریم شبستری؛ احمد بن محمد غزالی؛ محمد بن حمزه فناری؛ لعل بیگ لعلی بدخشی و... از جمله مؤلفان این آثار هستند.

فیه ما فیه؛ منظومه انوار ولایت؛ اصول العشره؛ سلك السلوك؛ رساله ذکریه؛ بحر المعارف؛ رند و زاهد؛ عقبات الدنیه؛ مراحل السالکین؛ آداب النفوس؛ رباب‌نامه؛ روزبهان‌نامه؛ کتاب الفتوه؛ آداب المریدین؛ عوارف المعارف؛ مونس العشاق؛ گلشن راز؛ فرائد السلوك؛ مجمع البحرین؛ حدائق الحقائق و... از جمله برخی از عناوین این کتب هستند.

سخن پایانی

عارفان شهره‌اند به گریز از کتابت و ریشخند زدن بر کاتبان؛ چرا که معلوم خود را بر لوح دل نگاشتنی می‌دیدند، نه بر لوحه و لوحه را لایق نگارش سواد می‌دانستند و نه بیاض عرفان، اما چه جالب آنکه بدانیم حجم عظیمی از آثار مکتوب میراث اسلامی از ایشان است؛ از عارفانی که اهل کتابت شده‌اند یا کاتبانی که مایل به عرفان.

اما اینکه چرا نوشته‌اند و چگونه نوشته‌اند محل بحث این کتاب نیست. کتاب حاضر آینه‌ای است در برابر آثار آنان تا نشان دهد آنان چه نوشته‌اند. هدف از تهیه این مجموعه، فراهم‌آوری ابزار پژوهش کارآمد برای دستیابی به موضوعات عرفانی است تا در خلال آن موضوعات پرتوجه و کم‌توجه خود را بهتر نشان دهند. شاید بتوان از این میان، مراد آنان از نگارش، دوره‌ها و موضوعات پرنگارش، رویکردها و سبک‌شناسی نگارشی را نیز بهتر شناخت. در کتاب حاضر سعی شده است زمینه‌ای فراهم شود تا آثار خود پیش چشم خوانندگان بایستند و با زبان فهرست، نمایه و شناسه از محتوای خود بگویند.^۲

۲. فرهنگ آثار اسلامی، ص ۲۹.